



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

میزان و اندازه (مقدار) های سنتی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصلبة والخير في الجمعية.

خير (خوبی) در جماعت است. انشاءالله با خوست الله نیت مان است که این جمعآوری ها، انشاءالله جمعآوری های خوبی باشند. همه برای الله آمدند و برای هیچ هدف دیگر (نه آمدند). نه بازی، نه سرگرمی، و نه چیز دیگری. آنها به خاطر الله آمده بودند. این یک دوره جمعی خوب است.

الدِّينُ النَّصِيحَةُ

می گوید، "دین نصیحت است." یعنی، اصل (ذات) دین نصیحت است. نصیحت چیست؟ یعنی چیزی خوبی را نشان دادن، نشان دادن چیزهای خوب است. این یک نصیحت است. کلمات فرد که یک راه بد یا بدی را نشان می دهند، نصیحت نامیده نمی شوند. حدیث شریف استاد مان (ع)، هر سخن و کلمه که از دهان مقدسش بیرون می آید، یک میلیون از یک میلیون رست است. هیچ چیز بدی نمی تواند به نام نصیحت باشد. چنین نصیحت های وجود ندارد که بگوید، "برو و آن شخص را بکش!" چنین نصیحت های وجود ندارند، "برو و الكل بنوش!" به همین دلیل است که دین نشان دادن چیزهای خوب است. پس، پایه دین مان نصیحت است.

پیامبران برای نشان دادن راه رست و دادن نصیحت فرستاده شدند. حضرت (اولیاء) ها و عالمان که قدم های آنها را پیروی می کنند، برای همین (نیت، هدف) کار می کنند و راه رست را نشان می دهند. همانطور که پیامبران، حضرت ها و صالحین (پارسا، زاهد، دیندار، پرهیزکار) ها که راه رست را نشان می دهند وجود دارند، دشمن شان (شیطان) در مقابل آنها قرار دارد. شیطان کامل برعکس آنها می گوید و نمیتواند هیچ چیزی که با دین و مسلمان بودن ربط (ارتباط) دارد تحمل کند. آنها این کارها را با ذکاوت تر (نافشرده، زیرک، موشکاف، نازک انگار، ظریف، زیرکانه) و آرام تر انجام می دهند. آنها بدون اینکه متوجه شوند، با نرمی (آرام آرام) می توانند به سر مردم برسند. یا اگر آنها باید کاری را انجام دهند، آن را به آرامی به مدت طولانی انجام می دهند بدون اینکه مردم به آن توجه بدهند. (شما) تماشا می کنید و می بینید که همه همان کاری را انجام می دهد، بدون اینکه هیچ کسی متوجه شود.

حدیث شریف استاد مان (ع): " (شما) غیر مسلمانان را یا افراد که ایمان ندارند را پیروی خواهید کرد. یک حیوان وجود دارد، چیزی شبیه یک گورکن است، که یک خانه تنگ دارد. اگر ورد (خونه) آنها



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

بشوند، شما دنبال آنها میرویند،" حضرت پیامبر مان (ﷺ) می فرماید. به همین دلیل است که مولانا شیخ (ق) در طول سه روز صحبت نکرده بود، سه روز پیش شروع کرد. او گفت، "می خواهم چیز مهمی بگویم!" در اینجا، آنچه که او گفت، اشاره به این کرد: شما دارید کفران را پیروی می کنید!

در واقع، منظور آنچه که مولانا شیخ (ق) گفت بود، البته مربوط به ساعت و زمان بود: مسلمانان آن را انجام دادند. در واقع، هارون رشید یک ساعت به عنوان هدیه از آنجا (بغداد) به فرانسه فرستاده بود. آنها شگفت زده و خیره شدند: "چطور می توان چنین چیزی وجود داشته باشد؟" آنها هیچ آگاهی درباره ساعت ها و زمان نداشتند. زیرا آنها عبادت، وضو و نماز ندارند. آنها هیچ چیزی ندارند. آنها روز یکشنبه یک بار در هفته میروند، برخی چیزها را در حال ایستادن و گذراندن، انجام می دهند. آنها نیازی به ساعت یا زمان را نگهداشتن (هدر ندادن) ندارند.

مسلمانان کسانی بودند که ساعت را اختراع کردند و از زمان استفاده کردند. یک روز مسلمان با اذان مغرب شروع می کند و تا اذان مغرب روزه دوم ادامه می دهد. به این ترتیب، ساعت مسلمانان با نماز مغرب تنظیم می شود. روز جدید، روز دوم، پس از نماز مغرب آغاز می شود. درست همانطور که در حال حاضر روز در نیمه شب شروع می شود، پس از ۱۲، یک روز مسلمان بعد از عصر شروع می شود. به همین دلیل است که وقتی می گویند "شب جمعه"، منظور شان به شب پنجشنبه است، شبی که پنجشنبه را به جمعه وصل می کند.

مولانا شیخ (ق)، در آن روز به این موضوع خیلی اشاره کرد. او گفت، "من در شب که چهارشنبه را به پنجشنبه وصل می کند صحبت خواهم کرد." تقویم مسلمانان، روز و زمان یک مسلمان اینگونه شروع می شود. مولانا شیخ هرگز از این ساعت ها استفاده نمی کرد، اما همانطور که گفتیم، آنها زمان (ساعت) شان را در این سیستم بی ایمان مرتب کردند. این کافی نبود. آنها یک ساعت پیش و یک ساعت به عقب می روند و مردم را دیوونه می کنند. به همین دلیل است که مولانا شیخ عصبانی شد.

آنها همه چیز را از مسلمانان آموختند (یاد گرفتند). در گذشته، "اوقه" در میزان، در اندازه گیری وجود داشت. آنچه که "اوقه" نامیده بود بیشتر از یک کیلوگرم بود. احتمالا، "اوقه"، یک چهارم یا یک پنجم از آن بود. سپس اندازه گیری صورت گرفت. به عنوان مثال، هیچ متر وجود نداشت. "ارشین" (حیاط عثمانی) وجود داشت. آن را آرشین نامیدند و بین ۶۸ تا ۷۰ سانتی متر بود. آنها همه این ها را از بین بردند و آن را مثل یک استاندارد کردند. با این حال، آنها یک چیز را از بین نبردند: مایل. آنها اصرار می کنند که آن از بین نرود. این در انگلستان و امریکا وجود دارد. آنها هنوز از مایل استفاده می کنند. آنها از پاها نیز استفاده می کنند. از آن ها استفاده می کنند، اما هر چیز که با مسلمانان مربوط داشت، از بین بردند. آنها اندازه گیری، میزان و زمان مسلمانان را ترک نکردند. آنها چیزی را ترک نکردند.

اندازه گیری ها و میزان ها که مسلمانان استفاده می کردن، از زمان حضرت پیامبر مان (ﷺ) استفاده شده است. آنها می گویند: "آه، چه اتفاق می افتاد اگر آن را از بین ببریم، چه این، چه آن باشد؟ متر آسان تر است. ۱۰۰ سانتیمتر است. اوقه، و این و آن ... من گیج خواهم شد." نه، این را نگو، زیرا در



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

آنها برکت وجود دارد. بنابراین درست مثل یک حجاب یا یک طلسم (تعویذ) ساخته شده است و قطعاً چیزی دارد، این ها یک برکت دارند. این چیزی است که استاد مان (رحمه الله) استفاده کرد و آن را به عنوان سنت حساب می شود. زیرا این میزان و اندازه گیری را استفاده می کنید به خطر اینکه استاد مان (رحمه الله) این ها را استفاده کرد. مردم نادانان کار های خوب انجام می دادند. البته، اکنون نمی توانید خودت این کار را انجام دهید. به همین دلیل است که مولانا شیخ با آن افراد ها عصبانی است، با افراد که این کار را شروع کردند.

اکنون این کار انجام و تمام شده است، اما:

من سنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا.

هر کسی که یک سنت خوب انجام بدهد، چیز خوب، به عنوان یک سنت حساب می شود. این پاداش آن را دارد. او می گوید پاداش کسانی که تقلید می کنند و آن را انجام می دهند برای آن شخص نوشته شده است. هر کس که یک سنت بد را درست کند، آن را انجام دهد، و دیگران آن را انجام بدهند، گناهان او برای او نوشته شده است. گناهان و مجازات هر کسی که آن را انجام می دهد بر گردن آن مرد است. البته، همه این ها با حزب اتفاق و ترقی (یکی از حزب ها که در انحلال امپراتوری عثمانی کمک کرد) شروع شد. به آرامی، آنها از همه چیز خلاص می شوند. البته گناهان و اعمال شان در خطر هستند. اکنون اصلاحات آسان نیست، اما هنوز نباید این چیزها را فراموش کنیم.

حتی اگر فرد از آنها استفاده نکند، واحد اندازه گیری، میزان، دستگاه و بسیاری از چیزهای دیگر که در گذشته استفاده می شد وجود دارند. امروزه، سر مردم نیز کار نمی کند. یک پول تغییر کرد (از لیره ترکیه تا لیره ترک جدید) و مردم هنوز یک میلیون را با یکی مخلوط می کنند. یک میلیون و یک میلیارد و چه چیزی نه، همه مخلوط شده اند. چرا اینطور است؟ چون سر مردم اکنون (ایستادن) دیگر کار نمی کند.

۱۰۰ قرش (پنی) چقدر است؟ یکسان با یک لیر (یا پوند) است. بسیار خوب. در گذشته گفته می شود: "یک لیر هم قیمت با خیلی پول است، یک قرش هم قیمت با ۲۰ پول ها است، یک مجیدیه هم قیمت با انقدر... "مردم قدیمی از محاسبات مختلف استفاده می کردند. مثل الان نیست، یک حساب بلافاصله بیرون می آید. سر فرد بلافاصله کار می کند و مردم زرنک (با هوش) تر می شوند. در حال حاضر هیچ حسابی در سر وجود ندارد. همانطور که گفتیم، مردم یک میلیون را با هزار میلیون و هزار را با هزار میلیون مخلوط می کنند.

اگر این کافی نبود، زمانی که الفبای هم تغییر کرد - اکنون، این بدترین است - کاملاً خراب شد. میلیون ها نفر در یک شب نادان بودند. چنین چیزی در تاریخ دیده نمی شود. با این حال، از الله سپاسگزاریم که کودکان به آرامی در حال یادگیری هستند. اما آنها زمانی که یاد می گیرند یک زبان خارجی را آسان تر با زمان یاد می گیرند. آنها انگلیسی و آلمانی را یاد می گیرند و به یاد می آورند آسان تر از آن که قدر هستند زبان قدیمی عثمانی را بخوانند و بفهمند.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

بنابر این، مولانا شیخ (ق) در طول سه روز صحبت نکرد، یک چیز بزرگ بود. این خشم بود. این ثابت است که او همه این بی عدالتی و جهل را قبول نمی کرد. آنها چه می گویند؟ مردم می گفتند که نمی دانستند بخوانند و بنویسند با نامه های کج، اما با الفبای لاتین آسان تر بود. یعنی آن زمان (ما را) به انواع احمق گرفتند. آنها واقعاً (ما را) به انواع احمق گرفتند و هیچکس سر و صدا نکرد. البته آنها نمی توانند سر و صدا کنند. این حکمت خداست. قرار بود اتفاق بیفتد، یعنی که هر چیز زمانی دارد. آن زمان، شکر به الله، گذشت. اکنون، دوباره، شیخ مان (ما را) با لطف (برکت، نعمت) و حمایت معنوی (همت) اش معرفی (پیشنهاد) می دهد. چیزهایی که (ما) قبل از آن نمی دانستیم، همانطور که گفتیم، هیچ کس از آن آگاه نبود. مولانا شیخ چیزهایی را که هیچکدام (از ما ها) از آن آگاه نبودند، به آرامی بیرون درمیاره.

اگر کسی می داند و نمی گوید، یک بار است. وقتی کسی این را می گوید، این گناه از آمت بلند می شود بر اینکه باری بیشتر نه باشد. به هر حال، مولانا شیخ می گوید: "اگر با کسی عصبانی باشم یا شخص را توبیخ کنم، من او را تمیز می کنم." در غیر این صورت، این بار از روی مردم نمی رود و مشکلات برای روی این افراد رخ می دهد. بنابر این، برای اینکه این بار کمی از آنها برداشته شود، مولانا شیخ قطعاً آنها را شستشو خواهد داد. او این کار را می کند، بر اینکه، یک بار دیگر، آنها آنچه را که نمی دانند، قبول کنند.

همانطور که در ابتدا گفتیم، این یک نصیحت است. می گوید، "دین نصیحت است". مولانا شیخ به همه مردم مذهبی صحبت می کند. شکر از الله، آنها افرادی هستند که صحبت را قبول می کنند. افرادی که نصیحت را قبول نمی کنند، در پایان از آن پشیمان می شوند و می گویند: "اگر تنها / این کار را انجام می دادم." پشیمان شدن یعنی گفتند، "کاش داشتم" ("ای کاش من...")، "ای کاش من این کار را انجام داده بودم". "حضرت پیامبر مان (ﷺ) فرمود: "نگو" "اگر فقط (تنها)،" زیرا گذشته است. می توانید بگویید "فقط اگر" به همان اندازه که می خواهید بگویید، اما باید نصیحت را از ابتدا قبول کنید. نباید با یک کلمه حق رنجیده شویم.

رست است که بعضی از مردم زمانی که به آنها نصیحت داده می شوند رنجیده می شوند. اکثر مردم بلافاصله شروع می کنند "نه، آن طوری و این طوری بود." (شما) تبعیت برخی از آنها را می شناسید و هرگز تلاش نمی کنید به آنها نصیحت بدهید. چونکه اگر سعی کنید نصیحت بدهید، مرد باعث می شود که (از تلاش کرده اید و به او نزدیک شده اید) پشیمان شوید. به همین دلیل است که (ما) به خیلی افراد نصیحت نمی دهیم، اما هنگامی که کسی (به شما) نصیحت می دهد، دوباره فوراً (بلافاصله) ناراحت و عصبانی نه شوید هنگامی که کسی (به شما) نصیحت می کند. پنج دقیقه فکر کن و اگر درست است: "الله با آنها راضی باشد." اگر درست نیست، میتوانید بگویید: "ممکن است"، به این معنی که می توانید بگویید، "(از شما) متشکرم که (به من) نصیحت کردید."

هنگامی که این مورد (وضع) است، حکمت خداست که اگر شخصی به خاطر الله نصیحت را قبول کرد، به خاطر آنچه که انجام داد، الله به آن شخص آرامش (راحتی) و تسکین (آسایش، رفاه) میبخشد، زیرا او نصیحت را قبول کرد چونکه از بخش دین است. اگر نه، اگر وضعیت کامل برعکس است، او در



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

طول یک ساعت آن انسان نفرین می کند. سپس تمام روز (حر وقت) آن مرد غالب است و فرد بخودش می پرسد "چرا". تمام روز. در حالی که اگر او آن را قبول کند، برای خودش سودمند خواهد بود و نیازی به فکر کردن در مورد آن تمام روز نیست و فردی که جلو آن است رنجیده نمی شود.

اینها چیزهای مهمی و بخشی از ادب طریقت هستند. همانطور که گفتیم، این چیزهای که گفتیم (ذکر کردیم)، پایه اسلام هستند. باشد که خداوند ما را در میان بندگان قرار دهد که به نصیحت گوش دهند و از آن پیروی می کنند. مثل حدیث استاد ما (علیه السلام): انشاءالله حقیقت را به عنوان حقیقت ببینیم و آن را پیروی کنیم، و انشاءالله بدی را به عنوان بدی تشخیص دهیم (قبول کنیم) و از آن دور شویم. انشاءالله خداوند به شیخ مان یک عمر طولانی عطا کند. با مهدی علیه سلام، در کنار او، افتخار شویم. انشاءالله همه در این دنیا و در آخرت خوشحال باشیم. انشاءالله نیز برای کودکان. انشاءالله بیمار ها و نیز شیخ مان سالم بشوند.

و من الله التوفیق.
الفاتحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۲۰ جمادی الاول ۱۴۳۴، درگاه ایوب سلطان، قبل از ذکر